

## بازار داغ اسلحه

علیرغم همه تلاشهایی که برای تخفیف تشنج و کاهش مسابقه تسلیحاتی در جهان بعمل می آید بازار فروش اسلحه روز بروز گرمتر و هزینہ های نظامی روز بروز سنگین تر می شود

در سال ۱۹۷۲ بود (۱). فروشندگان عمدتاً اسلحه در سال گذشته به ترتیب عبارتند از ایالات متحده آمریکا که با فروش بیش از ۵۰۰ میلیون دلار اسلحه مقام اول جهان را در فروش اسلحه حفظ کرده است. شوروی که در حدود ۴۰۰ میلیون دلار اسلحه به کشورهای مختلف جهان بویژه ممالک عرب صادر کرده و فرانسه که با فروش بیش از ۱۴۰ میلیون دلار اسلحه در سال گذشته در تجارت اسلحه از انگلستان پیشی گرفته و مقام سوم جهان را در تجارت اسلحه بدست آورده است.

بررسی هایی که درباره چگونگی تجارت اسلحه در نقاط مختلف جهان صورت گرفته نشان میدهد که علاوه بر سه کشور نامبرده که بیش از دوسوم بازار اسلحه جهان را در دست دارند ۵۳ کشور دیگر نیز در کار فروش سلاح به کشورهای دیگر جهان هستند. از این کشورها قریب بیست کشور خود تولیدکننده اسلحه نیستند. بلکه نقش واسطه را بین کشور تولید-

بحران نفت و افزایش بهای مواد نفتی در اواخر سال ۱۹۷۳ که موجب افزایش هزینه تولید صنایع غرب شده است بسیاری از رشته های صنایع را در سال جاری باخطر رکود و کاهش تولید مواجه ساخته است. اما برای صنایع اسلحه سازی و سوداگران مرگ سال ۱۹۷۳ سال پربرکتی بود و سال ۱۹۷۴ سالی خوشتر و پرمفعت تر از سال گذشته خواهد بود، زیرا بازار فروش اسلحه در سال گذشته با همه تلاشی که از طرف سازمان ملل متحد برای قطع مسابقه تسلیحاتی و کاهش هزینه های نظامی بعمل آمد داغ تر از سال های قبل بود و با سفارشات پی در پی برای خرید اسلحه در اواخر سال ۱۹۷۳ و سه ماهه اول سال جاری مسبجی صادرکنندگان اسلحه در سال ۱۹۷۴ بازاری پررونق تر از همیشه خواهند داشت.

در سال ۱۹۷۳ بنا به گزارشی که در مجله آمریکائی «تایم» منتشر شده بیش از ۱۵۰۰۰ میلیون دلار اسلحه در بازارهای جهان بفروش رسید که نزدیک به دو برابر میزان فروش اسلحه

از طرف کارخانه سازنده به کشور مصرف کننده ممنوع است و چنین معاملاتی باید از طریق دولت انجام بگیرد. در این موارد دولت کشور صادرکننده با کشور خریدار قرارداد فروش اسلحه را امضاء و اسلحه مورد نیاز را به کارخانه های سازنده سفارش میدهد. اسلحه با سود مناسبی از کارخانه سازنده خریداری و با قیمت بیشتر به کشور خریدار فروخته میشود لیکن میزان سودی که در این میان عاید کارخانه سازنده و دولت میشود مانند سایر صنایع و کالاها روشن نیست.

فقط بیست درصد صادرات اسلحه از آمریکا با کسب موافقت دولت از طرف کارخانه های سازنده به کشور های خریدار اسلحه ارسال میشود و هشتاد درصد بقیه مستقیماً از طرف دولت انجام میگردد. در شوروی تمام کارخانه ها متعلق بدولت و صادرات اسلحه نیز مستقیماً از طرف دولت میباشد و در فرانسه علاوه بر اینکه دولت طرف اصلی معامله در خرید و فروش اسلحه است اکثریت سهام کارخانه های بزرگ اسلحه سازی و هواپیما سازی را نیز در اختیار دارد.

دخالت دولت های صادرکننده در معاملات اسلحه، ویژگی هایی نیز در تجارت بین المللی اسلحه بوجود آورده است که در سایر رشته های تجارت وجود ندارد. این خصوصیت عبارت از اینست که دولت های فروشنده اسلحه سعی می کنند در معاملات خود با کشورهای خریدار موجودی انبار های خود را که از سلاح های کهنه و دمده انباشته شده خالی کنند و بجای آن سلاح های تازه ای بگذارند. در نتیجه بسیاری از کشورهای خریدار اسلحه در جهان سوم بجای سلاح های تازه معمولاً سلاح های کهنه انبار های ذول بزرگ را خریداری می کنند و کشورهای صادرکننده در این قبیل موارد تخفیف

کننده و کشور مصرف کننده بازی می کنند و این نقش واسطگی گاه مخفی و غیر قانونی است و در مواردی مورد استفاده قرار میگیرد که کشور صادرکننده حاضر به فروش اسلحه به کشور مصرف کننده یا گروهی که از آن استفاده میکنند نیست. بطور مثال دولت فرانسه که فروش اسلحه به دولت پرتغال را بواسطه سیاست استعماری آن کشور در آفریقا منع کرده چندی قبل متوجه شد که هلی کوپترهای ساخت فرانسه در جنگ علیه استقلال طلبان آنگولا و موزامبیک مورد استفاده قرار میگیرد و در نتیجه تحقیقاتی که بعمل آمد معلوم شد که این هلی-کوپترها قبلاً به کشور کوچک «لیختن اشتاین» فروخته شده و از طریق آن کشور به پرتغال ارسال شده است.

صادر کنندگان اسلحه بین خودشان هم اسلحه مبادله میکنند و حتی آمریکا که بزرگترین صادرکننده اسلحه جهان بشمار می آید بعضی از سلاح های سبک خود را از کشورهای اروپائی خریداری مینماید و کشورهای اروپائی مانند آلمان و ایتالیا که خود سازنده و صادرکننده اسلحه میباشند بعضی از سلاح های سنگین و هواپیما های جنگی مورد نیاز خود را از آمریکا خریداری میکنند.

تجارت اسلحه یکی از پرسودترین رشته های تجارت بین المللی است و قیمت هایی که روی انواع سلاحها گذاشته میشود غالباً چندین برابر بهای تمام شده آنست، زیرا علاوه بر اینکه کارخانجات اسلحه سازی سودهای کلانی را برای خود منظور میکنند دولت های ممالک صادرکننده هم مالیات و حقوق گمرکی سنگینی بر روی اسلحه صادراتی وضع و قسمتی از مخارج خود را از این طریق تأمین مینمایند.

در بسیاری از کشورها فروش مستقیم اسلحه

ژانویه گذشته طی نطقی در پاریس بصراحت گفت که فرانسه بخاطر اصول اخلاقی که هیچکس آنرا مراعات نمیکنند از تلاش خود برای افزایش صادرات اسلحه و گردش صنایع اسلحه سازی خود دست برنخواهد داشت. روزنامه لوموند (۲) ضمن تفسیری در این باره می نویسد که فرانسه برای سال جاری سفارش ۸ میلیارد فرانک اسلحه دریافت داشته که قسمت اعظم آنها به کشورهای خاورمیانه و دنیای عرب فروخته خواهد شد. لوموند اضافه می کند که صادرات اسلحه در سال جاری ۵ تا ۷ درصد کل صادرات فرانسه را دربر خواهد گرفت و اگر فرانسه بخواهد بگفته وزیر دفاع خود به تلاش در راه افزایش صادرات اسلحه ادامه دهد مانند سایر سوداگران مرگ از تحریک و فتنه انگیزی برای ایجاد بحران در نقاط مختلف جهان و ادامه بحران و اختلافات موجود روگردان نخواهد بود.

های قابل ملاحظه و سخاوتمندانه ای هم بممالک خریدار میدهند لیکن حتی قیمت این سلاحها هم غالباً از قیمت خرید دست اول آن بیشتر است. اما قیمت سلاحهای نو بطور سرسام آوری بالا است. بطور مثال در معاملات اخیر اسلحه هر تانک AMX 30 بقیمت ۴۰۰۰۰۰ دلار و هر هواپیمای میراژ از نوع اکتشافی بقیمت ۱۵۰۰۰۰۰ دلار معامله شده است. هر فروند هواپیمای F-14 آمریکائی بمبلغ سی میلیون دلار معامله شده و دولت فرانسه در ازاء فروش ۳۸ هواپیمای جنگنده میراژ و ۲۷۵ تانک AMX-30 به عربستان سعودی موافقت دولت عربستان سعودی را با امضای یک قرارداد پنج میلیارد دلاری نفت جلب نموده است.

فرانسه پیش از هر کشور دیگری از بحران اخیر خاورمیانه برای فروش اسلحه بیشتر به کشورهای این منطقه استفاده کرده است و رابرت گالی (۱) وزیر دفاع فرانسه روز ۲۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز چاپ و انتشارات علوم انسانی